

ایران و تعامل‌های اقتصاد سیاسی انرژی در آسیای مرکزی

سیدشمس‌الدین صادقی*

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه رازی کرمانشاه

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۵/۲۰)

چکیده

در چارچوب رهیافت اقتصاد سیاسی بین‌الملل، این نوشتار به مطالعه وضعیت منابع انرژی (نفت و گاز) کشورهای آسیای مرکزی پرداخته و استدلال می‌کند که با وجود منابع سرشار نفت و گاز در کشورهای چون قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان و نقش بسیار مهم آن در کسب درآمد سرشار و با آنکه دولت‌مردان این کشورها در پی آن هستند که منطقه آسیای مرکزی را به یکی از کانون‌های مهم صادرات منابع انرژی در جهان، تبدیل کنند و با آنکه منابع انرژی این منطقه، نقشی بسیار مهم در رشد اقتصادی و مبادلات بین‌المللی این کشورها ایفا کرده است، صادرات منابع انرژی کشورهای آسیای مرکزی به بازارهای هدف، به دلیل ضعف زیرساخت‌های کشورهای منطقه مانند خطوط لوله‌های انتقال انرژی، مشکلات حقوقی، موانع گمرکی و آشفتگی سیاسی بر سر راه صادرات انرژی با موانع جدی روبه‌رو است. با توجه به این مهم، این نوشتار ضمن بررسی وضعیت کشورهای منطقه، به تبیین چگونگی جایگاه و موقعیت ایران در تعامل‌های اقتصاد سیاسی انرژی آسیای مرکزی خواهد پرداخت.

کلید واژه‌ها

آسیای مرکزی، ایران، انرژی، خط لوله، اقتصاد سیاسی

مقدمه

در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، انرژی به‌عنوان پاشنه آشیل بسیاری از مناطق و کشورهای صنعتی جهان و مانند اتحادیه اروپا، چین، هند، آسیای جنوب شرقی و آمریکای شمالی است؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌گیزی برای رهایی از وابستگی به آن، دست‌کم تا چند دهه آینده وجود ندارد (Cornelius & Story, 2007, P.10). بنابراین امروزه در تجارت جهانی نفت و گاز کالایی با اهمیت راهبردی هستند؛ زیرا بدون شک، رشد سریع اقتصادی در مناطق و کشورهایی چون چین و هند در آسیا، آمریکای شمالی و اروپای غربی به این کالای بسیار گرانبها بستگی دارد. به همین دلیل، نوسان‌های تولید این کالای راهبردی در بازارهای تجاری چه در کوتاه‌مدت و چه در بلندمدت، می‌تواند اقتصاد جهانی را با چالش روبه‌رو کند. در این میان، ذخایر و منابع انرژی آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر از جمله منابع راهبردی هستند که درهای خود را به‌سوی بازارهای مصرف در تعاملات اقتصاد سیاسی جهانی انرژی گشوده و رقابت بر سر به‌دست آوردن و کنترل بر این منابع، از سرگیری بازی بزرگ را در روابط قدرت‌های بزرگ در این منطقه، یادآوری می‌کند.

از نظر توزیع جغرافیایی ذخایر انرژی، منطقه اوراسیا ۱۰ درصد ذخایر اثبات‌شده جهانی نفت را به‌خود اختصاص داده است. از نظر توزیع جغرافیایی ذخایر گاز جهان نیز پس از منطقه خاورمیانه و خلیج فارس که حدود ۶/۴۰ درصد این ذخایر را در اختیار دارد، منطقه اوراسیا با داشتن ۷/۳۳ کل ذخایر گاز جهان در جایگاه دوم قرار دارد. آمریکای شمالی ۹/۴ درصد، آمریکای مرکزی و جنوبی ۳/۴ درصد، قاره آفریقا ۹/۷ درصد، منطقه پاسیفیک ۷/۸ درصد ذخایر گاز جهان را دارند. لازم به ذکر است که دو کشور روسیه و ایران که در همجواری این منطقه قرار گرفته‌اند، حدود ۵ درصد ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان را در اختیار خود دارند (Favenec, 2005, pp. 1-9; Estrada, 2006, p. 3778; BP, 2010).

با توجه به این مهم که در این ساختار نوین، انرژی و کنترل بر خطوط لوله انتقال انرژی، یکی از ابزارهای مهم کسب ثروت و به‌کار گرفتن قدرت در عرصه سیاست خارجی و روابط بین‌المللی است، چنین به‌نظر می‌رسد که کشور ایران به‌دلیل داشتن حجم بسیار عظیمی از سوخت‌های فسیلی، همسایگی با کشورهای آسیای مرکزی و واقع‌شدن در کانون تولید ۷۵

درصد انرژی جهان و برخورداری از موقعیت حمل و نقل بی نظیر و ممتاز، باید نقشی مهم و اساسی را در تعامل‌های اقتصادی کشورهای این منطقه ایفا کند. براین اساس، در این نوشتار تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی وضعیت تعاملات اقتصاد سیاسی انرژی در آسیای مرکزی، پاسخی مناسب نیز برای این سؤال بیابیم: کشور ایران در تعامل‌های اقتصاد سیاسی انرژی منطقه آسیای مرکزی، چه جایگاهی دارد؟

منابع انرژی آسیای مرکزی

آسیای مرکزی در چهار راه قاره آسیا، اروپا و منطقه خاورمیانه واقع شده و شامل کشورهای ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان است. این منطقه با مساحتی در حدود ۴۵ درصد ایالات متحده و جمعیتی بالغ بر ۷۵ میلیون نفر، یکی از مناطق مهم از نظر داشتن حجم عظیم ذخایر نفت است. در کم‌ترین تخمین ۱۷/۲ (BP, 2010) و در بیشترین ۴۹/۷ میلیارد بشکه ذخایر شناخته شده یا ۵ درصد از کل ذخایر جهانی نفت و ۶/۶۵ تریلیارد مترمکعب یا ۳/۸ درصد از کل ذخایر جهانی گاز را دارد (EIA, 2011(a); BP, 2010).

نمودار شماره ۱: مقایسه‌ی حجم ذخایر منابع گازی کشورهای آسیای مرکزی در منطقه اوراسیا (۲۰۱۲)



الف- قزاقستان

در آسیای مرکزی، کشور قزاقستان با ۳۶/۶ میلیارد بشکه ذخایر اثبات شده نفت (۳/۲ درصد ذخایر جهانی نفت) و تولید ۱/۱۰۶۰۰۰ میلیون بشکه در روز، غنی‌ترین کشور منطقه

آسیای مرکزی و جزء ۱۰ کشور برتر جهان از نظر حجم ذخایر نفت و گاز است؛ به‌ویژه آنکه میزان تولید این کشور، بسیار بیشتر از میزان مصرف داخلی بوده و این امر به معنای توانایی بالای صادرات قزاقستان خواهد بود (EIA, 2012(b)). برخلاف منابع غنی نفتی، میزان ذخایر گازی قزاقستان پاسخگوی نیازمندی‌های رو به رشد این کشور نبوده و قزاقستان را به یکی از واردکنندگان گاز طبیعی در این منطقه از جهان تبدیل کرده است.

انرژی موتور حرکت رشد و توسعه شتابان اقتصادی این کشور پس از استقلال از اتحاد شوروی است و نقش بسیار مهمی را در اقتصاد سیاسی این کشور ایفا می‌کند، ۳۰ درصد تولید ناخالص داخلی و ۵۷ درصد درآمدهای ارزی قزاقستان از محل دریافت‌های نفتی تأمین می‌شود. به‌عبارتی انرژی، موتور حرکت به‌سوی رشد و توسعه اقتصادی، ابزاری جهت برقراری روابط اقتصادی با شرکت‌های بزرگ نفتی و وسیله‌ای برای برقراری تعادل سیاسی در روابط با قدرت‌های منطقه‌ای بوده است. قزاقستان از محل کسب درآمدهای نفتی، هم به‌دنبال انجام اصلاحات در زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی کشور و هم به‌دنبال جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی و ایجاد یک اتحاد راهبردی با همسایگان خود به‌ویژه چین و روسیه است. حجم سرمایه‌گذاری‌های خارجی در بخش صنعت نفت و گاز این کشور بالغ بر ۳۰ میلیارد دلار است. ایالات متحده به تنهایی ۲۰ میلیارد دلار در صنعت نفت این کشور سرمایه‌گذاری کرده است (Rywkan, 2005; Kaiser & Pulsipher, 2007, pp. 1300-1313).

ب- ترکمنستان

در میان جمهوری‌های آسیای مرکزی، ترکمنستان نیز از تولیدکنندگان بزرگ انرژی بوده و با توجه به شکاف فزاینده میان میزان تولید نسبت به استفاده داخلی، این کشور نقش اساسی و مهمی را در آینده بازارهای جهانی انرژی، به‌ویژه در صادرات گاز، ایفا خواهد کرد. این کشور با ۷۳۳۰ کیلومتر خطوط لوله انتقال انرژی که ۹۰ درصد ظرفیت آن به انتقال گاز اختصاص یافته است، یکی از کشورهای پیشتاز در عرصه انتقال گاز به خارج از مرزهای بین‌المللی در منطقه است؛ ذخایر گاز ترکمنستان در نزدیکی آمودریا در شرق دریای خزر در دو منطقه شاتلیک و دولت‌آباد-دونمز واقع شده است. این ذخایر گازی به ترتیب در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۷۴ شناسایی شده و به‌تدریج از سال ۱۹۷۴ مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند.

حجم ذخایر گازی حوزه دولت‌آباد به تنهایی ۱/۲ تریلیارد مترمکعب است. تخمین زده می‌شود که ظرفیت تولید آن بیشتر از ۳۰ سال، بیش از ۱۵ میلیارد مترمکعب در سال باشد. براساس آمارهای موجود، ذخایر گازی شناخته‌شده این کشور ۲/۹ تریلیارد مترمکعب است که البته تا رقم ۴/۵ تریلیارد مترمکعب قابل افزایش است (EIA, 2011(b)& BP, 2010). بخشی از صادرات گاز این کشور به بازارهای مصرف در کشورهای چین و ایران و بخشی دیگر نیز از راه شبکه‌های انتقال گاز روسیه به اروپا صادر می‌شود. با توجه به نقش و اهمیت انرژی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، روسیه بسیار تلاش می‌کند تا بتواند در صنعت نفت و گاز این کشور سرمایه‌گذاری کرده و از مسیر خود، انرژی‌های فسیلی این کشور را به بازارهای هدف، انتقال دهد (Dorian, 2002, pp. 20-27).

ج- ازبکستان

ازبکستان از معدود جمهوری‌های اتحاد شوروی است که پس از استقلال در سال ۱۹۹۱ توانسته است در عرصه تولید انرژی، ظرفیت خود را افزایش داده و به موفقیت‌هایی دست یابد. ذخایر شناخته‌شده نفت این کشور بیش از ۵ میلیارد تن و ذخایر گازی آن ۵/۵ تریلیارد مترمکعب است. ظرفیت تولید نفت این کشور در حال حاضر ۱۷۵۰۰۰ هزار بشکه در روز است (نمودار ۸ و ۹). لازم به ذکر است که قرقیزستان و تاجیکستان برخلاف سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی ذخایر نفتی قابل توجهی ندارند. تولید روزانه نفت قرقیزستان ۲۰۰۰ بشکه و مصرف روزانه نفت این کشور ۲۰ هزار بشکه است. فقر منابع انرژی در این جمهوری سبب شده که این کشور از واردکنندگان انرژی روسیه، قزاقستان و ازبکستان باشد (EIA, 2012(c)).

طرح‌های کلان انتقال انرژی در آسیای مرکزی و جایگاه ایران

دریای خزر، حلقه اتصال کشورهای آسیای مرکزی با روسیه، قفقاز و ایران و محل تلاقی محورهای ارتباطی شمال اروپا به اقیانوس هند و شرق دور است و کشور ایران از نظر موقعیت مرکزی در کانون این منطقه و محور ارتباطی طرح‌های کلان انتقال انرژی آن قرار دارد.

نقشه شماره ۱: موقعیت مرکزی ایران و مسیرهای اصلی انتقال انرژی از آسیای مرکزی و قفقاز به اروپا



Source: Kaiser and Pulsipher, 2007, p. 1310.

همواره یکی از مهم‌ترین مسایل ژئوپلیتیکی بازی بزرگ در آسیای مرکزی، مالکیت بر منابع انرژی، میزان بهره‌برداری از مخازن نفتی و چگونگی یافتن مسیرهایی برای انتقال انرژی منطقه به بازارهای هدف در اقتصاد سیاسی جهانی انرژی است. در حال حاضر تولید نفت در این منطقه ۲/۳ میلیون بشکه در روز است که پیش بینی می‌شود، این رقم تا سال ۲۰۱۵ به ۴ میلیون بشکه در روز افزایش یابد. میزان ذخایر قابل توجه نفت و گاز در این منطقه، فرصت‌های بسیار خوبی را با هدف جلب مشارکت و سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی برای سرمایه‌گذاری در بخش اکتشاف، تولید و انتقال انرژی این منطقه، به وجود آورده است (Dorian, 2006, p. 544) که در زیر به آن خواهیم پرداخت.

الف - خطوط لوله انتقال انرژی

حجم بسیار بالای ذخایر نفت و گاز در منطقه آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر و فاصله بسیار زیاد منابع انرژی این منطقه از بازارهای هدف، شبکه گسترده‌ای از خطوط لوله انتقال انرژی را ایجاد کرده است. به مهم‌ترین خطوط و طرح‌های کلان انتقال انرژی منطقه و موقعیت ایران در این طرح‌ها اشاره می‌شود.

۱. خطوط لوله انتقال نفت

۱. خط لوله کنسرسیوم خزر^۱: جهت انتقال منابع میدان نفتی تنگیز قزاقستان به نوروسیسک در دریای سیاه، طول این خط لوله ۱۵۱۰ کیلومتر و ظرفیت انتقال آن ۶۵۰ هزار بشکه تا ۱/۳۴ میلیون بشکه در روز است.
۲. خط لوله قزاقستان- چین^۲: جهت انتقال منابع میدان نفتی آتیرا^۳ به آلاشانکو^۴ چین، طول این خط لوله ۲۱۶۳ کیلومتر با ظرفیت انتقال ۲۰۰ هزار بشکه در روز است که تا میزان ۴۰۰ هزار بشکه در روز قابل افزایش است.
۳. خط لوله باکو- تفلیس- جیحان^۵: جهت انتقال نفت آذربایجان از راه تفلیس گرجستان به بندر جیحان ترکیه در مدیترانه، طول این خط لوله ۱۷۶۸ کیلومتر با ظرفیت انتقال روزانه ۱ میلیون بشکه نفت از منطقه دریای خزر به دریای مدیترانه است که تا میزان ۱/۸ میلیون بشکه در روز قابل افزایش است.
۴. خط لوله قزاقستان - آذربایجان^۶: طول این خط لوله ۷۵۰ کیلومتر با ظرفیت انتقال ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز که تا میزان ۱ میلیون بشکه قابل افزایش است.
۵. خط لوله آتیرا- سامارا^۷: جهت انتقال ۳۲۰ هزار بشکه نفت قزاقستان از مسیر روسیه به اروپا،
۶. خط لوله باکو- نوروسیسک^۸: جهت انتقال ۱۳۴ هزار بشکه نفت از باکو- جمهوری آذربایجان و از راه داغستان و تیخورسک روسیه به بندر نوروسیسک در دریای سیاه،
۷. خط لوله آسیای مرکزی: جهت انتقال نفت قزاقستان از راه ترکمنستان و افغانستان به بندر گوادر پاکستان،
۸. خط لوله باکو- سوپسا، مسیر شمالی: جهت انتقال نفت باکو- جمهوری آذربایجان از راه گرجستان به بندر سوپسا،

-
1. Caspian Pipeline Consortium (CPC)
 2. Kazakhstan-China Oil Pipeline (KCOP)
 3. Atyrau
 4. Alashankou
 5. Baku-Tbilisi-Ceyhan Pipeline (BTC)
 6. Kazakhstan Caspian Transportation System (KCTS)
 7. Atyrau-Samara Pipeline (ASP)
 8. Baku-Novorossiysk Pipeline (BNP)

۹. خط لوله جمهوری آذربایجان- ایران: در حال مطالعه امکان‌سنجی که به دلیل تحریم‌های بین‌المللی متوقف شده است،

۱۰. خط لوله قزاقستان- ترکمنستان- ایران: به دلیل تحریم‌های بین‌المللی متوقف شده است، (EIA, 2008, pp. 52-56).

۲. خطوط لوله انتقال گاز

۱. خط لوله آسیای مرکزی: ^۱ جهت انتقال سالانه ۴۵ تا ۵۵ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان از راه قزاقستان و اتصال به خط لوله سراسری روسیه و سپس اوکراین،

۲. خط لوله ساحلی ترکمنستان- قزاقستان- روسیه: جهت انتقال سالانه ۲۰ میلیارد مترمکعب گاز ترکمنستان از مسیر روسیه به بازارهای هدف، طول این خط لوله ۱۷۰۰ کیلومتر است،

۳. خط لوله ترکمنستان- ازبکستان- قزاقستان- چین: طول این خط لوله ۲۰۰۰ کیلومتر با ظرفیت انتقال سالانه ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز در سال است. هزینه ساخت این خط لوله ۱۴ میلیارد یورو است،

۴. خط لوله مرکزی گاز آسیای مرکزی: جهت انتقال سالانه ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز میدان دولت‌آباد ترکمنستان از راه افغانستان به مولتان پاکستان و سپس هند. طول این خط لوله ۱۶۸۰ کیلومتر و هزینه ساخت این خط لوله ۷/۶ میلیارد یورو است،

۵. خط لوله ماوراء خزر^۲: جهت انتقال بخشی از گاز ترکمنستان از بستر دریای خزر و از مسیر باکو و تفلیس به ارزروم ترکیه و سپس به اروپا،

۶. خط لوله باکو- تفلیس- ارزروم^۳: جهت انتقال سالانه ۸ میلیارد مترمکعب گاز جمهوری آذربایجان از راه تفلیس گرجستان به ارزروم ترکیه. طول این خط لوله ۶۹۲ کیلومتر است،

۷. خط لوله کورپزه- کردکوی: جهت انتقال گاز ترکمنستان،

۸. خط لوله ناباکو^۴: جهت انتقال سالانه ۴۵ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی کشورهای آسیای مرکزی از مسیر کشورهای ترکیه، بلغارستان، مجارستان، رومانی و اتریش به بازارهای هدف

1. Central Asia-Centre Pipeline (CAC)
2. Trans-Caspian Gas Pipeline (TCGP)
3. Baku-Tbilisi-Erzurum (BTE)
4. Nabucco

در اروپا. طول این خط لوله ۳۳۰۰ کیلومتر با هزینه‌ای بالغ بر ۷/۹ میلیارد یورو است (EIA, 2008, pp. 61-67).

رقیب‌های منطقه‌ای ایران

منابع سرشار انرژی منطقه آسیای مرکزی، سبب‌شده است که این منطقه، عرصه رقابت قدرت‌های با نفوذ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گیرد و بازی بزرگ قدرت‌های بزرگ قرن نوزدهم در این منطقه را یادآور شود. با این تفاوت که بر روی صفحه شطرنج سیاست منطقه آسیای مرکزی، رقابت بر سر منابع انرژی بوده و بازیگران بزرگ بین‌المللی در این بازی وارد شده و تعداد آنان دائم در حال افزایش بوده و عرصه را برای کنشگران غیرهمراه و معترض نسبت به نظام هژمون حاکم به تنگ آورده‌اند (Rasizade, 2003, pp. 41-58; Guliyev & Akhrakhodjaeva, 2009, p. 3171). موضوعی که در ادامه، بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

الف - روسیه

روسیه به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده گاز و دومین تولیدکننده نفت در جهان، بزرگ‌ترین رقیب منطقه‌ای ایران و از کنشگران بانفوذی است که نقش و اهمیت انرژی حوزه آسیای مرکزی و دریای خزر را به‌خوبی دریافته و با درک الزام‌های ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل پس از جنگ سرد و اینکه اقتصادهای بزرگ صنعتی جهان، مانند آمریکای شمالی، اتحادیه اروپا، چین و ژاپن بسیار به منابع انرژی روسیه و آسیای مرکزی، وابسته هستند، با چرخش از آرمان‌گرایی رمانتیک دوران حاکمیت مارکسیسم روسی به واقعیت‌های ژئواکونومیک، ضمن آنکه تلاش کرد تا با سرمایه‌گذاری بلندمدت در بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی صنایع نفت و گاز خود و بالا بردن افزایش ظرفیت تولید و بهره‌گیری از وجه غالب در اقتصاد این کشور که همان ذخایر بسیار سرشار انرژی هیدروکربنی و سلطه بر شاهراه‌های خطوط انتقال انرژی است، نقش یک امپراتوری نفتی را که قادر است نفت و گاز را به میزان بسیار زیادی در جهان عرضه کند، ایفا کند. روسیه تلاش کرد تا از منابع انرژی حوزه دریای خزر به‌عنوان قدرت نرم، جهت افزایش ثروت ملی و پیشبرد هدف‌های سیاست خارجی خود،

به‌ویژه در مواضعش در برابر اتحادیه اروپا، بهره‌برداری مطلوب کند (Correlge & Van der Linde, 2006, p. 533).

برای رسیدن به این هدف، دولت‌مردان روسیه در دو دهه گذشته همچنان در پی گسترش نفوذ این کشور در خارج‌نزدیک بوده و ضمن تلاش برای تحکیم سلطه این کشور بر خطوط لوله انتقال نفت و گاز کشورهای منطقه و محروم‌کردن دیگر رقیب‌های منطقه‌ای مانند ایران، حدود ۲۵ درصد از حجم کلی سرمایه‌گذاری خارجی در عرصه انرژی را در این منطقه از آن خود کنند. در این راستا شرکت گازپروم در سال ۲۰۰۳، یک موافقت‌نامه ۲۵ ساله را برای خرید گاز ترکمنستان و سپس صادرات دوباره آن به بازارهای اروپایی از مسیر شمالی، امضا کرد. همچنین این کشور با به‌کار بردن نفوذ در تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، در تثبیت نفوذ خود در میان این کشورهای آسیای مرکزی تلاش‌هایی کرده است که برای نمونه می‌توان این موارد را برشمرد:

۱. تشویق کشورهای منطقه مبنی بر انتقال انرژی خود از مسیر روسیه (بندر نووروسیسک) به دریای سیاه و دورداشتن آنان از خطرهای انتقال انرژی از مسیر گرجستان- جمهوری آذربایجان و ترکیه،
۲. تکمیل ۷۲۰ کیلومتر خطوط لوله جدید، جهت انتقال انرژی کشورهای آسیای مرکزی از مسیر روسیه،
۳. بستن یک موافقت‌نامه ۱۵ ساله با کشور قزاقستان در ژوئن ۲۰۰۲ با هدف صادرات روزانه ۳۵۰ هزار بشکه نفت این کشور از مسیر روسیه. همچنین انتقال بخش مهمی از صادرات نفت قزاقستان از راه خط لوله آتیرا- سامرا به بازارهای هدف در اروپا،
۴. سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ترکمنستان با هدف انتقال انرژی‌های فسیلی این کشور از مسیر خطوط لوله خود به بازارهای هدف در اروپا (Dorian, 2002, pp. 20-27).

ب- قزاقستان

از رقیب‌های منطقه‌ای ایران در عرصه انرژی، کشور قزاقستان است. قزاقستان در میان کشورهای آسیای مرکزی، در عرصه دیپلماسی انرژی بسیار فعال بوده و در زمینه جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، توانسته رقابت بسیار فشرده‌ای را در میان شرکت‌های بزرگ

نفی جهان و همچنین شرکت‌های ملی و منطقه‌ای کشورهای چینی، روسیه، آمریکا، انگلیس، دانمارک، رومانی، ترکیه، اتریش، چین، ژاپن و کره جنوبی ایجاد کرده و بالغ بر ۹۰ درصد حجم سرمایه‌گذاری در بخش اکتشاف و تولید صنعت نفت و گاز خود را از این راه تأمین کرده و عرصه را از ایران بر باید (Peck, 2004).

رویکرد تعاملی قزاقستان با نظام هژمون حاکم، مشارکت و رقابت شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی همراه را بر سر به دست آوردن سهمی از کنسرسیوم نفت این کشور در پی داشته است. برای نمونه شرکت‌های شورون^۱ (۵۰ درصد)، شرکت اگزان موبایل^۲ (۲۵ درصد)، شرکت کاز مانی گاز^۳ (۲۰ درصد) و شرکت روسی لوک آرکو^۴ (۵ درصد) از مهم‌ترین شرکت‌هایی هستند که توانسته‌اند سهم قابل‌توجهی از این کنسرسیوم را به خود اختصاص دهند (Campaner & Yenikeeff, 2008, p. 14). تولیدات این حوزه‌های نفتی از راه کنسرسیوم خط لوله کاسپین^۵ از راه مسیر غربی به بندر نووروسیسک انتقال داده می‌شوند. حجم سرمایه‌گذاری انجام شده برای افزایش بهره‌برداری از این حوزه‌های نفتی بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار است (EIA, 2004).

از نظر خطوط لوله انتقال انرژی نیز قزاقستان با ۳۳۸۴ کیلومتر خط لوله، از کشورهای پیشتاز منطقه در این حوزه است. این کشور نفت و گاز خود را از مسیر شمال غربی و از راه خطوط لوله، کشتی و راه آهن جهت تصفیه به پالایشگاه‌های روسیه ارسال و سپس به مناطقی چون بالتیک و دریای سیاه، انتقال می‌دهد. همچنین بخش دیگری از منابع انرژی این کشور با مشارکت کنسرسیوم خط لوله کاسپین از مسیر غربی به آذربایجان و سپس به اروپا انتقال داده می‌شود. لازم به ذکر است که ظرفیت این خط لوله ۲۵۰ هزار بشکه نفت در روز است که معادل یک چهارم کل صادرات این کشور است. همچنین این کشور طرح‌هایی را برای انتقال انرژی به چین و انتقال انرژی از راه جنوب و از راه معاوضه با ایران را نیز در دست بررسی دارد. مسیر ایران برای انتقال انرژی قزاقستان بسیار اقتصادی است؛ اما از آنجا که این کشور

-
1. Chevron
 2. ExxonMobil
 3. Kaz Munay Gaz
 4. LukArco
 5. Caspian Pipeline Consortium(CPC)

منافع خود را در همسویی با آمریکا و اردوگاه غرب، تعریف و تنظیم کرده، برای آنکه از راه همکاری با ایران، مضمول تحریم‌های آمریکا نشود، تاکنون از همکاری با ایران جهت انتقال انرژی خود، چشم‌پوشی کرده است (EIA, 2010 & Dorian, 2006, p.546 & Kaiser & Pulsipher, 2007, p.1309).

ج- ترکمنستان

ترکمنستان از دیگر رقیب‌های منطقه‌ای ایران در این بازی است. این کشور در میان کشورهای آسیای مرکزی، در عرصه دیپلماسی انرژی بسیار فعال و موفق در جذب سرمایه‌گذاری خارجی، یافتن بازارها و مسیرهای جدید است. این کشور با تولید ۷۵/۸ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی در سال ۲۰۰۸ و ۸۷۳۳ کیلومتر خطوط لوله انتقال انرژی که ۹۰ درصد ظرفیت آن به انتقال گاز اختصاص یافته است، یکی از کشورهای پیش‌تاز در عرصه انتقال گاز به بازارهای هدف در خارج از مرزهای بین‌المللی در منطقه است (EIA, 2003 & BP, 2004).

سیاست‌گذاران عرصه دیپلماسی انرژی ترکمنستان در راهبرد بلندمدت خود، برای رهایی از سلطه روسیه، ضمن تداوم همکاری با این کشور، راه تعامل با قدرت‌های فرامنطقه‌ای را گزینه‌ای مناسب تشخیص داده و از این رهگذر، ضمن درگیرکردن شرکت‌های بزرگ نفتی غربی در صنایع نفت و گاز خود، موافقت آمریکا را نیز برای جلب مشارکت کشورهایی چون ترکیه و جمهوری آذربایجان جهت متنوع ساختن مسیرهای انتقال انرژی این کشور به بازارهای جهانی فراهم کرده‌اند. ترکمنستان در راهبرد انرژی خود همواره در پی آن است که افزون بر مسیر روسیه، مسیرهای جدیدتر، کم‌هزینه‌تر و کم‌خطری را شناسایی و انتخاب کند. برای رسیدن به این هدف، بخشی از صادرات گاز این کشور به بازارهای کشورهای چین و ایران و بخشی دیگر نیز از راه خطوط لوله شبکه‌های انتقال گاز روسیه به اروپا صادر می‌شود (Dorian, 2002, pp. 20-27).

این کشور برای جستجوی مسیرهای بدیلی برای صادرات گاز خود غیر از مسیر روسیه، با جلب موافقت گرجستان و ترکیه اقدام به ساخت خط لوله ۱۶۴۰ کیلومتری ترانس‌خزر کرد. این خط لوله، گاز ترکمنستان را از زیر آب‌های دریای خزر به گرجستان رسانده، سپس از مسیر گرجستان عبور کرده و سرانجام به ترکیه انتقال می‌دهد. هدف ترکمنستان از اجرای چنین طرحی این بوده است که از مسیر جدیدی بتواند منابع انرژی خود را به بازارهای اروپایی

انتقال دهد. برای اجرای این طرح، ترکمنستان در سال ۱۹۹۹ قراردادی را با ترکیه امضاء کرد که بر اساس آن سالانه ۳۰ میلیارد مترمکعب گاز از مسیر ترکیه به اروپا صادر می‌شود. در این راستا در نوامبر ۱۹۹۹، مقام‌های کشورهای ترکمنستان، ترکیه، گرجستان و آذربایجان، توافق‌نامه‌ای را برای عملیاتی‌شدن و اجرای طرحی که هزینه ساخت آن بالغ بر ۲/۵ میلیارد دلار می‌شود، امضاء کردند. لازم به ذکر است که یکی از دلایل موافقت جمهوری آذربایجان برای مشارکت در این طرح، کشف ذخایر گازی شاه‌دنیز در ۱۹۹۹ و کسب درآمدی بود که از این راه برای این کشور به دست می‌آمد (Mavarakis(etal), 2006, p. 1675).

همچنین مقام‌های ترکمنستان، در سال ۱۹۹۵ قرارداد ۲۵ ساله انتقال گاز به ایران را امضاء کردند که باید در سال ۱۹۹۷ بهره‌برداری می‌شد. بر اساس این قرارداد، ترکمنستان یک خط لوله ۴۰ اینچی به طول ۲۰۰ کیلومتر و با ظرفیت انتقال ۸ میلیارد مترمکعب گاز در سال که تا میزان ۱۳ میلیارد مترمکعب قابل افزایش است را از منطقه کورپژه این کشور به کردکوی در ایران، ساخت؛ این قرارداد در سال ۲۰۰۱ به بهره‌برداری رسید. ایران پس از دریافت این گاز در منطقه کردکوی، آن را به شبکه سراسری گاز خود متصل می‌کند (Mavarakis(etal), 2006, p. 1675).

دولت ترکمنستان همچنین برای صادرات گاز این کشور به ارمنستان و ترکیه، طرح‌ها و برنامه‌هایی را تنظیم و در دست اجرا قرار داده است؛ در دسامبر ۲۰۰۱، دو دولت ترکمنستان و ارمنستان توافق‌نامه صادرات گاز به میزان ۲ میلیارد مترمکعب در سال را امضاء کردند. بر اساس این قرارداد، موافقت شد که این گاز از راه خط لوله کورپژه- کردکوی به شبکه گاز ایران متصل و سپس از راه ساخت یک خط لوله ۲۰ اینچی به طول ۱۴۰ کیلومتر در داخل ایران به آن کشور انتقال یابد. اجرای این قرارداد هر چند که به دلیل اختلاف نظر در مورد قیمت تمام‌شده گاز وارداتی به ارمنستان و نوع مسیر انتقال آن، سال‌ها به تأخیر افتاد؛ اما سرانجام در ژوئیه ۲۰۰۴ به بهره‌برداری رسید (Mavarakis(etal), 2006, p. 1675).

د- جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان از دیگر رقیب‌های منطقه‌ای ایران در حوزه دریای خزر و منطقه قفقاز است. این کشور با ۷ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده نفت (۰/۶ درصد ذخایر جهانی) و ۱/۳۷

تریلیون مترمکعب گاز، بازیگری فعال در عرصه همکاری‌های بین‌المللی و کشوری موفق در عرصه جذب سرمایه‌گذاری مسقیم خارجی و مشارکت شرکت‌های نفتی در طرح‌های اکتشاف منابع نفتی و خطوط لوله انتقال انرژی است (BP, 2008 & EIA, 2010). بیش از ۹۰ درصد از ذخایر غنی نفتی جمهوری آذربایجان در همسایگی مرزهای دریایی این کشور در دریای خزر واقع شده است. این کشور در دو دهه گذشته، یکی از صادرکنندگان اصلی گاز به اتحادیه اروپا بوده است، هرچند که با افزایش مصارف داخلی، اندک اندک از میزان حجم صادرات این کشور در سال‌های آتی کاسته خواهد شد، تا آنجا که تا سال ۲۰۲۰ هم‌پوشانی میزان تولید و مصرف داخلی، مانع از صادرات گاز به خارج از کشور خواهد شد (BP, 2010).

مهم‌ترین حوزه گازی آذربایجان شاه‌دنیز^۱، در ۱۰۰ کیلومتری جنوب شرقی باکو در جنوب دریای خزر در سال ۱۹۹۹ کشف شد. این حوزه گازی با مساحتی در حدود ۸۶۰ کیلومترمربع و در عمق ۵۰۰ متری زیر بستر دریای خزر- در بین دو حوزه نفتی این کشور که توسط شرکت‌های بزرگی مانند موبیل و اگزون اداره می‌شوند-واقع شده است (EIA, 2006). پس از شناسایی این حوزه گازی که حجم و ذخیره اثبات شده آن حدود ۴۲۰ میلیارد مترمکعب و بیشترین عمر مفید آن ۳۰ سال پیش‌بینی شده است؛ این کشور از راه تعامل با قدرت‌های برتر در نظام بین‌الملل مانند نزدیکی به آمریکا، تعامل با روسیه و بهره‌برداری از شکاف‌ها و تعارض‌های موجود در روابط آمریکا، روسیه و ترکیه بر سر تقسیم منابع ثروت و قدرت در منطقه و با بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی فعال خود در حوزه انرژی، توانست به تشکیل کنسرسیومی با حضور شرکت‌های بزرگی همچون بی پی (۲۵/۵ درصد)، استات اویل (۲۵/۵ درصد)، سوکار (۱۰ درصد)، نیکو (۱۰ درصد)، توتال (۱۰ درصد)، لوک‌اگیف^۱ (۱۰ درصد) و تیپا (۹ درصد)، برسد و با جذب سرمایه‌گذاری و فناوری خارجی جهت بهره‌برداری بهینه‌تر در امر اکتشاف، حفاری، تولید و صادرات گاز این کشور، به موفقیت‌های چشم‌گیری رسید و جایگاه خود را در این ساختار نوین، ارتقاء بخشید (Kelly, 2003 & Mavarakis (etal), 2006, pp. 1672-1673).

همچنین جمهوری آذربایجان موفق شد که با جذب سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت‌های بزرگ نفتی، ۴ ترمینال بزرگ نفتی^۲ که ظرفیت تخلیه و بارگیری دوباره بیش از یک میلیون بشکه نفت در روز را دارد و ساخت خطوط لوله‌ای با قطر ۴۸ اینچ و با ظرفیت انتقال ۳۰

1. Lukagif

میلیارد مترمکعب گاز در سال، جهت انتقال انرژی این کشور به ترکیه و بازارهای اروپایی، گام های بزرگی را در راستای تأمین منافع ملی خود بردارد (Guliyev & Akhrarkhodjaeva, 2009, p. 3176).

این خط لوله که ظرفیت انتقال انرژی آن به مراتب بیش از حجم تولید روزانه این کشور است، قادر به انتقال بخشی از گاز ترکمنستان به بازارهای اروپا است. لازم به ذکر است که این خط لوله از ترمینال سنگچال^۱ در جنوب باکو آغاز شده و پس از عبور از مسیر تفلیس- گرجستان، به خط لوله ترکیه متصل می‌شود. این خط لوله به طول ۶۹۰ کیلومتر (۴۴۲ کیلومتر در جمهوری آذربایجان، ۲۴۸ کیلومتر در گرجستان)، ظرفیت انتقال ۷/۳ میلیارد مترمکعب گاز در سال را دارد؛ پس از ورود به ترکیه ۲۸۰ کیلومتر مسافت را در شرق این کشور طی کرده و به شبکه انتقال انرژی ترکیه در منطقه ارزروم، ملحق می‌شود (Kelly, 2003; EIA, 2010).

بر اساس هدف‌های مندرج در راهبرد انرژی جمهوری آذربایجان، منطقه گازی شاه‌دنیز باید در چهار مرحله توسعه یابد. برای رسیدن به این هدف در مرحله اول، وزارت نفت این کشور در مارس ۲۰۰۱ با یک سرمایه‌گذاری ۳/۲ میلیارد دلاری، موافقت کرد که یک قرارداد بلندمدت خرید و فروش گاز را با ترکیه ببندد؛ این قرارداد با انتقال سالانه ۲ میلیارد مترمکعب گاز جمهوری آذربایجان به ترکیه آغاز و سپس به ۶/۶ میلیارد مترمکعب در سال افزایش خواهد یافت. از آنجا که اقتصاد ترکیه، توانایی جذب این حجم عظیم گاز را ندارد؛ هدف اصلی این کشور، انتقال بخشی از آن به اروپا است. ظرفیت تولید گاز جمهوری آذربایجان در این مرحله، ۸/۴ میلیارد متر مکعب در سال است. پیش‌بینی می‌شود که تا مرحله چهارم، این ظرفیت به ۱۶ میلیارد مترمکعب در سال افزایش یابد (Mavarakis (etal), 2006, p.1673). تجربه دو دهه گذشته نشان می‌دهد که در تعامل‌های اقتصاد سیاسی انرژی، جمهوری آذربایجان یکی از بازیگران فعال و موفق در عرصه انتقال انرژی از منطقه دریای خزر و قفقاز است. این کشور در ساحل دریای خزر ۴ پایانه بزرگ نفتی دارد که در مجموع قادر به تخلیه و بارگیری دوباره بیش از یک میلیون بشکه نفت در روز هستند؛ پایانه‌هایی که در پرتو تعامل این کشور با نظام جهانی و با همکاری شرکت نفت انگلیس و قزاقستان برای

انتقال نفت این کشور در بازارهای اروپا، ساخته شده‌اند (Guliyev & Akhrarkhodjaeva, 2009, p. 3176).

۵- ترکیه

کشور ترکیه که یکی از حلقه‌های مهم محور اقتصادی-امنیتی اردوگاه غرب، عضو پیمان ناتو و از متحدان راهبردی ایالات متحده و اسرائیل است، در بعد معادلات قدرت منطقه‌ای، مهم‌ترین رقیب ایران در این بازی بزرگ و ربودن فرصت‌های طلایی ایجادشده در منطقه آسیای مرکزی، دریای خزر و قفقاز است (Truscott, 2009, p. 43). این کشور که یکی از برنده‌های بازی بزرگ منطقه پس از فروپاشی اتحاد شوروی است با بهره‌گیری از اشتراک‌های فرهنگی و زبانی با کشورهای آسیای مرکزی و به‌کارگیری رویکرد واقع‌گرایانه در سیاست خارجی و با نقش‌آفرینی ویژه در برقراری ثبات و امنیت موردنظر قدرت‌های جهانی در منطقه و حضور قوی و مؤثر در سازمان همکاری‌های اقتصادی (ا.ک.و)، تصویری ایده‌آل از رفتار سیاسی خود هم در روابط با کشورهای منطقه و هم با اتحادیه اروپا، به نمایش گذاشته و با آگاهی به اینکه این کشور در کانون ۷۳ درصد ذخایر اثبات‌شده نفت جهان و ۷۲ درصد ذخایر اثبات‌شده گاز جهان قرار دارد، تلاش کرد که نقش پل انرژی را در روابط بین شرق و غرب ایفا و با طرح اینکه بهترین و امن‌ترین دالان انتقال انرژی به بازارهای اروپا است؛ تلاش کرد تا از این رهگذر، پاسخی مناسب برای حل مشکل روند رو به افزایش تقاضای انرژی مصرفی خود که در دو دهه گذشته، رشد شتابانی را تجربه کرده است، بیابد. این کشور به‌عنوان مهم‌ترین رقیب قدرتمند و بانفوذ منطقه‌ای ایران، در راهبرد دیپلماسی انرژی خود در دو دهه گذشته، موفق شده که چگونگی بستن قراردادها، روند و مسیر طرح‌های کلان انتقال انرژی منطقه را به‌سود خود، تنظیم کند، برای نمونه:

۱. انتقال خط لوله انتقال گاز جریان‌آبی - روسیه - ترکیه،
۲. خط لوله انتقال گاز ایران - ترکیه،
۳. خط لوله انتقال نفت باکو - تفلیس - جیحان،
۴. خط لوله انتقال گاز باکو - تفلیس - ارزروم،
۵. خط لوله انتقال گاز ترکمنستان - ترکیه - اروپا،
۶. خط لوله انتقال گاز مصر - ترکیه،

۷. خط لوله انتقال گاز عراق- ترکیه،

۸. خط لوله انتقال گاز ترکیه- یونان،

۹. خط لوله انتقال گاز ناباکو.

ترکیه در دو دهه گذشته تلاش کرد تا از راه تعامل با قدرت‌های برتر در نظام بین‌الملل، حمایت و پشتیبانی سیاسی آنان را برای پیشبرد هدف‌های راهبردی اقتصادی و سیاسی خود در منطقه، جلب کرده و از بیشترین ظرفیت سازمان اگو در راستای پیشبرد هدف‌های سیاسی و اقتصادی خود، بهره‌برداری کند و از نظر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی نیز قدرت قابل توجهی را در منطقه کسب کند. برای نمونه در بحران منطقه قفقاز و جنگ قره‌باغ، این کشور در راستای هماهنگی با راهبرد آمریکا در منطقه موفق شد که هم‌زمان به دو هدف برسد: نخست، توسعه همکاری‌های اقتصادی در بخش انرژی با جمهوری آذربایجان، دوم، جلب رضایت مقام‌های آمریکا برای بستن قرارداد قرن با همان ساخت خط لوله نفت باکو- تفلیس- جیحان و خط لوله انتقال گاز باکو- تفلیس- ارزروم و عبور این خطوط لوله از سرزمین ترکیه و در گام بعدی، محوریت یافتن نقش و موقعیت ترکیه جهت سرمایه‌گذاری در طرح‌های کلان انتقال انرژی منطقه مانند تلاش برای جلب موافقت کشورهای ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، گرجستان و آمریکا برای ساخت خط لوله انتقال گاز ماورای خزر و نیز اجرای طرح ناباکو با هدف عبور شاهراه‌های اصلی انرژی از مسیر ترکیه است (Kilic, 2006, pp.1931-1933).

از آنجا که ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، بر مبنای تعامل و همکاری میان دولت‌ها با قدرت‌های برتر، بنیان نهاده شده است؛ ترکیه در راهبرد نگاه به شرق و راهبرد انرژی خود در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، فقط به توسعه همکاری و یا همسویی با غرب و ایالات متحده، بسنده نکرده؛ بلکه تعامل‌های قابل توجهی را نیز با روسیه، هم در عرصه عبور خطوط لوله انتقال انرژی این کشور در بستر دریای سیاه و از جمله خط لوله انتقال گاز جریان‌آبی و هم بستن قراردادهای قابل توجه واردات گاز و هم مبادلات گسترده تجاری داشته است (Hacisalihoglu, 2008, pp. 1867-1872)؛ تا آنجا که حدود ۶۰ درصد از گاز وارداتی مصرفی این کشور توسط شرکت گازپروم روسیه، تأمین می‌شود. عبور خطوط لوله انتقال انرژی از مسیر ترکیه، نه تنها موجب کسب منافع سرشار اقتصادی و تقویت زیرساخت‌های صنعت نفت و گاز این کشور شد؛

بلکه موجب ارتقای نقش، جایگاه و موقعیت این کشور در روابط قدرت در منطقه‌ای نیز شده است (EIA, 2008, p. 32).

نتیجه

با توجه به اینکه در ساختار نوین اقتصاد سیاسی بین‌الملل، کشورها بدون تعامل در یک بستر سیاسی هم‌نوا با دنیای خارج به سختی خواهند توانست به سطحی از سطح‌های توسعه اقتصادی و رشد و شکوفایی دست یابند؛ می‌توان نتیجه گرفت که در این ساختار نوین، آن دسته از کشورهای مورد مقایسه در این نوشتار که به تعدیل رفتار سیاسی و انطباق با شرایط جدید، برآمده‌اند، این فرصت را یافته‌اند که ثروت، قدرت و موقعیت خود را ارتقاء بخشند و سهمی از تقسیم‌بندی ثروت جهانی در عرصه تعاملات اقتصاد سیاسی بین‌المللی انرژی و حوزه‌های نفوذ در این حوزه را به‌خود اختصاص دهند (قزاقستان، ترکمنستان، جمهوری آذربایجان، ترکیه). در مقابل، کشوری همچون ایران که همواره به روندهای موجود بین‌المللی، معترض بوده و همچنان از دیدگاه عناصر گفتمانی ادبیات سیاسی حاکم بر دوران جنگ سرد، به تحلیل و تفسیر روندها و رویدادهای نظام بین‌المللی متحول و جهانی شده جدید می‌پردازد، فرصت اندکی را برای تحقق و به فعلیت رساندن هدف‌های خود ایجاد کرده، در مقابل موقعیت و جایگاه ممتاز خود را نیز در این ساختار نوین به دیگر رقیب‌های منطقه‌ای واگذار کرده است.

منابع

الف- فارسی

۱. کولایی، الهه (۱۳۸۷)، «ژئوپلیتیک انتقال نفت از قفقاز»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۱، صص، ۷۰-۴۷.
۲. گودرزی، مهناز (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک انرژی دریای مازندران و اهمیت ایران (۲۰۰۸-۱۹۹۱)»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۵، صص، ۱۳۸-۱۱۷.
۳. متقی، ابراهیم و مریم همت خواه (۱۳۸۷)، «جایگاه ایران در بازار انرژی آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات اوراسیای مرکزی، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۲۷.

ب- انگلیسی

1. **British Petroleum (BP)**(2004), «**Statistical Review of World Energy**», Available at:[http:// www.bp.com](http://www.bp.com), (Accessed on:15/11/ 2010).
2. **British Petroleum (BP)**(2008), «**Statistical Review of World Energy**», Available at:[http:// www.bp.com](http://www.bp.com), (Accessed on:10/1/2010).
3. **British Petroleum (BP)**(2010), «**Statistical Review of World Energy**», Available at: [http:// www.bp.com](http://www.bp.com), (Accessed on: 10/1/2010).
4. Campaner, N. and Yenikeeff,sh.(2008), «**The Kashagan Field: Atest Case for Kazakhstan's Governmance of its Oil and Gas Sector** », Available at: [http:// www.ifri.org/files/Energie/Kashaganbis.pdf](http://www.ifri.org/files/Energie/Kashaganbis.pdf), (Accessed on: 10/9/2010).
5. Cornelius, Peter and Story, Jonathan (2007), «Chin and Global Energy Markets», **Orbis**, Vol. 51, No. 1, pp. 5-20.
6. Correlje, Aad and Van der linde, Coby (2006), «Energy Supply Security and Geo-Politics: A European Perspective», **Energy Policy**, Vol. 34, No. 5, pp. 532–543.
7. Dorian, James P. (2002), «Turkmenistan Future in Oil and Gas Hinges on Certainty for Export Options», Available at: <http://www.ogj.com>, (Accessed on: 10/9/2010).
8. Dorian, James P.,(2006), «Central Asia: A Major Emerging Energy Player in the 21st century», **Energy Policy**, Vol. 34, No. 5, pp. 544–555
9. **Energy Information Administration (EIA)**(2003), «**Caspian Region: Key Oil and Gas Statistics**», Available at: [http:// www.eia.doe.gov/emeu / cabs / caspstats.html](http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspstats.html), (Accessed on: 10/4/2011).
10. **Energy Information Administration (EIA)** (2004), «**Kazakhstan: Country Analysis Brief**», Available at: [http://www.eia.doe.gov/emeu / cabs / caspstats.html](http://www.eia.doe.gov/emeu/cabs/caspstats.html), (Accessed on: 10/8/2010).
11. **Energy Information Administration (EIA)** (2006), «**Caspian Sea Region of Key Oil and Gas Statistics and Forecasts**».
12. **Energy Information Administration (EIA)**,(2006), «**Iran Energy Profile**», Availableat: <http://www.eia.doe.gov>, (Accessed on: 10/8/2010).
13. **Energy Information Administration (EIA)**(2008), «**IranEnergy Profile**», Availableat: <http://www.eia.doe.gov>, (Accessed on: 20/4/2010).
14. **Energy Information Administration (EIA)**(2011(a)), «**Azerbaijan Energy Profile**», Availableat: [http:// www. eia. doe.gov](http://www.eia.doe.gov), (Accessed on: 10/8/2012).
15. **Energy Information Administration (EIA)**(2011b), «**Iran Energy Profile**», Availableat: <http://www.eia.doe.gov>, (Accessed on: 10/10/2012).
16. **Energy Information Administration (EIA)**(2012a), «**Iran Energy Profile**», Availableat: <http://www.eia.doe.gov>, (Accessed on: 10/12/2012).
17. **Energy Information Administration (EIA)**(2012b), «**Kazakhstan Energy Profile**»,Availableat: [http:// www. eia. doe.gov](http://www.eia.doe.gov), (Accessed on: 22/3/2013).
18. **Energy Information Administration (EIA)**(2012(c)), «**Uzbekistan Energy Profile**», Availableat: [http:// www. eia. doe.gov](http://www.eia.doe.gov), (Accessed on: 5/5/ 2012).
19. Estrada, AureliaMane(2006), «European Energy: Towards the Creation of the Geo-energy Space», **Energy Policy**, Vol. 34, No. 5 , pp. 3773–3786.

20. Favennec, Jean – Pierre (2005), «Oil and Natural Gas Supply for Europe», Elsevier, **Catalysis Today**, No. 106
21. Guliyev, Farid, Nozima Akhrarkhodjaeva,(2009), «The Trans - Caspia Energy Route :Cronyism, Competition and Cooperation in Kazakh Oil Export», **Energy Policy**, Vol. 37, No. 8, pp. 3171–3182
22. Hacisalihoglu, Bilge (2008), «Turkey’s Natural Gas Policy», **Energy Policy**, Vol. 36, No. 6, pp. 1867-1872
23. Kaiser, Mark J., Pulsipher, Allan G.,(2007), « A Review of the Oil and Gas Sector in Kazakhstan», **Energy Policy**, Vol. 35, No. 2, pp. 1300–1314
24. Kelly, R., (2003),« BP Azerbaijan Activity Update», **British Petroleum**, Available at: [http:// www.bp.com](http://www.bp.com), (Accessed on: 22/2012).
25. Kilic, A.M.,(2006), «Turkey’s Natural Gas Necessity, Consumption and Future Perspectives», **Energy Policy** , Vol. 34, No. 14, pp. 1928–1934
26. Mavrakis, Dimitrios(et al),.(2006), «An Assessment of the Natural Gas Supply Potential of the South Energy Corridor from the Caspian Region to the EU», **Energy Policy**, Vol. 34, No. 13, pp. 1671–1680
27. Peck, A. E.,(2004), **Economic Development in Kazakhstan: The Role of Large Enterprises and Foreign Investment**, London: Routledge.
28. Rasizade, Alec (2003), «Entering the Old Great Game in Central Asia», **Orbis**, Vol. 47, No. 1.
29. Rywkan, M.,(2005), «Stability in Central Asia: Engaging Kazakhstan, A Report on US interests in Central Asia and US-Kazakhstan Relations», **National Cmmittee on American Foreign Policy**, New York, Available at [www. ncafp.org](http://www.ncafp.org), (Accessed on: 2/2/2010).
30. Truscot, Peter (2009), **European Energy Security**, Royal United Institute for Defence and Security Studies, London: Routledge.